

عمر آدم الديني وعمر الإنسان الاحفوري العلمي على الأرض:

عمر آدم از دیدگاه دین، و عمر سنگواره انسانی روی زمین بر مبنای علم:

عمر آدم الديني أو لنقل تاريخ وجوده كإنسان يعيش على الأرض يمثل رقماً بسيطاً أمام عمر الإنسان الأرضي المكتشف علمياً، فبحسب النص التوراتي مثلاً يكون عمر آدم أو الإنسان على الأرض بحدود ۶۰۰۰ - ۷۰۰۰ سنة فقط.

عمر آدم از منظر دین یا به عبارت دیگر تاریخ پیدایش او - به عنوان انسانی که بر روی زمین زندگی میکرده - درمقایسه با عمر انسان زمینی که علم کاشف آن است، عددی ناچیز محسوب میگردد. مثلاً بر اساس متن تورات، تاریخ پیدایش آدم یا انسان بر روی زمین فقط به حدود ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال پیش باز میگردد.

۱ « هَذَا كِتَابُ مَوَالِيدِ آدَمَ، يَوْمَ خَلَقَ اللهُ الْإِنْسَانَ. عَلَى شِبْهِهِ اللهُ عَمَلَهُ.»

2 ذَكَرًا وَأُنْثَى خَلَقَهُ، وَبَارَكَهُ وَدَعَا اسْمَهُ آدَمَ يَوْمَ خُلِقَ.

3 وَعَاشُ آدَمَ مِئَةَ وَثَلَاثِينَ سَنَةً، وَوَلَدَ وَلدًا عَلَى شِبْهِهِ كَصُورَتِهِ
وَدَعَا اسْمَهُ شَيْثًا.

4 وَكَانَتْ أَيَّامُ آدَمَ بَعْدَ مَا وُلِدَ شَيْثًا ثَمَانِي مِئَةَ سَنَةٍ، وَوَلَدَ بَنِينَ
وَبَنَاتٍ.

5 فَكَانَتْ كُلُّ أَيَّامِ آدَمَ الَّتِي عَاشَهَا تِسْعَ مِئَةِ وَثَلَاثِينَ سَنَةً، وَمَاتَ.

6 وَعَاشُ شَيْثٌ مِئَةَ وَخَمْسَ سِنِينَ، وَوَلَدَ أَنْوَشَ.

7 وَعَاشُ شَيْثٌ بَعْدَ مَا وُلِدَ أَنْوَشٌ ثَمَانِي مِئَةَ وَسَبْعَ سِنِينَ، وَوَلَدَ
بَنِينَ وَبَنَاتٍ.

8 فَكَانَتْ كُلُّ أَيَّامِ شَيْثٍ تِسْعَ مِئَةِ وَاثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً، وَمَاتَ.

9 وَعَاشُ أَنْوَشٌ تِسْعِينَ سَنَةً، وَوَلَدَ قَيْنَانَ.

10 وَعَاشُ أَنْوَشٌ بَعْدَ مَا وُلِدَ قَيْنَانٌ ثَمَانِي مِئَةَ وَخَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً،
وَوَلَدَ بَنِينَ وَبَنَاتٍ.

11 فَكَانَتْ كُلُّ أَيَّامِ أَنْوَشٍ تِسْعَ مِئَةِ وَخَمْسَ سِنِينَ، وَمَاتَ.

12 وَعَاشُ قَيْنَانٌ سَبْعِينَ سَنَةً، وَوَلَدَ مَهْلَلَيْلَ.

13 وَعَاشُ قَيْنَانٌ بَعْدَ مَا وُلِدَ مَهْلَلَيْلٌ ثَمَانِي مِئَةَ وَأَرْبَعِينَ سَنَةً،
وَوَلَدَ بَنِينَ وَبَنَاتٍ.

14 فَكَانَتْ كُلُّ أَيَّامِ قَيْنَانَ تِسْعَ مِئَةِ وَعَشْرَ سِنِينَ، وَمَاتَ.

15 وَعَاشُ مَهْلَلَيْلٌ خَمْسًا وَسِتِينَ سَنَةً، وَوَلَدَ يَارِدَ.

16 وَعَاشُ مَهْلَلَيْلٌ بَعْدَ مَا وُلِدَ يَارِدٌ ثَمَانِي مِئَةَ وَثَلَاثِينَ سَنَةً، وَوَلَدَ
بَنِينَ وَبَنَاتٍ.

17 فَكَانَتْ كُلُّ أَيَّامِ مَهْلَلَيْلٍ ثَمَانِي مِئَةَ وَخَمْسًا وَتِسْعِينَ سَنَةً،
وَمَاتَ.

18 وَعَاشُ يَارِدٌ مِئَةَ وَاثْنَتَيْنِ وَسِتِّينَ سَنَةً، وَوَلَدَ أَخْنُوخَ.

19 وَعَاشُ يَارِدٌ بَعْدَ مَا وُلِدَ أَخْنُوخٌ ثَمَانِي مِئَةَ سَنَةً، وَوَلَدَ بَنِينَ
وَبَنَاتٍ.

20 فَكَانَتْ كُلُّ أَيَّامِ يَارِدٍ تِسْعَ مِئَةِ وَاثْنَتَيْنِ وَسِتِّينَ سَنَةً، وَمَاتَ.

- 21 وَعَاشٌ أَخْنُوحُ خَمْسًا وَسِتِّينَ سَنَةً، وَوَلَدَ مَتُوشَالِحَ.
- 22 وَسَارَ أَخْنُوحٌ مَعَ اللَّهِ بَعْدَ مَا وُلِدَ مَتُوشَالِحَ ثَلَاثَ مِئَةِ سَنَةٍ، وَوَلَدَ بَنِينَ وَبَنَاتٍ.
- 23 فَكَانَتْ كُلُّ أَيَّامِ أَخْنُوحَ ثَلَاثَ مِئَةٍ وَخَمْسًا وَسِتِّينَ سَنَةً.
- 24 وَسَارَ أَخْنُوحٌ مَعَ اللَّهِ، وَلَمْ يُوْجَدْ لَأَنَّ اللَّهَ أَخَذَهُ.
- 25 وَعَاشٌ مَتُوشَالِحُ مِئَةً وَسَبْعًا وَثَمَانِينَ سَنَةً، وَوَلَدَ لَامَكَ.
- 26 وَعَاشٌ مَتُوشَالِحُ بَعْدَ مَا وُلِدَ لَامَكَ سَبْعَ مِئَةٍ وَاثْنَتَيْنِ وَثَمَانِينَ سَنَةً، وَوَلَدَ بَنِينَ وَبَنَاتٍ.
- 27 فَكَانَتْ كُلُّ أَيَّامِ مَتُوشَالِحَ تِسْعَ مِئَةٍ وَتِسْعًا وَسِتِّينَ سَنَةً، وَمَاتَ.
- 28 وَعَاشٌ لَامَكَ مِئَةً وَاثْنَتَيْنِ وَثَمَانِينَ سَنَةً، وَوَلَدَ ابْنًا.
- 29 وَدَعَا اسْمَهُ نُوحًا، قَائِلًا: «هَذَا يُعْزِينَا عَنْ عَمَلِنَا وَتَعْبِ أَيْدِينَا مِنْ قَبْلِ الْأَرْضِ الَّتِي لَعَنَهَا الرَّبُّ».
- 30 وَعَاشٌ لَامَكَ بَعْدَ مَا وُلِدَ نُوحًا خَمْسَ مِئَةٍ وَخَمْسًا وَتِسْعِينَ سَنَةً، وَوَلَدَ بَنِينَ وَبَنَاتٍ.
- 31 فَكَانَتْ كُلُّ أَيَّامِ لَامَكَ سَبْعَ مِئَةٍ وَسَبْعًا وَسَبْعِينَ سَنَةً، وَمَاتَ.
- 32 وَكَانَ نُوحُ ابْنُ خَمْسِ مِئَةِ سَنَةٍ. وَوَلَدَ نُوحٌ: سَامًا، وَحَامًا، وَيَافَثَ. « (١) .
- (١). العهد القديم - سفر التكوين 5 : 1 - 32.

- «١- این است شرح پیدایش آدم و نسل او. هنگامی که خدا خواست انسان را بیافریند، او را شبیه خود آفرید.
- ٢- او انسان را مرد و زن خلق فرمود، آنها را برکت داد و از همان آغاز خلقت، ایشان را آدم نام نهاد.
- ٣- وقتی آدم یکصد و سی ساله بود، صاحب پسری شد که به شکل خودش بود. او را شیث نام نهاد.

- ۴- پس از تولد شیث، آدم هشتصد سال دیگر زندگی کرد و دارای پسران و دختران دیگری شد.
- ۵- او در نهمصد و سی سالگی مرد.
- ۶- وقتی شیث یکصد و پنج ساله بود، پسرش انوش به دنیا آمد.
- ۷- پس از آن هشتصد و هفت سال دیگر زندگی کرد، و دارای پسران و دختران دیگر شد.
- ۸- او در نهمصد و دوازده سالگی مرد.
- ۹- وقتی انوش نود ساله شد، پسرش قینان به دنیا آمد.
- ۱۰- انوش پس از آن هشتصد و پانزده سال دیگر زندگی کرد و دارای پسران و دختران دیگری شد.
- ۱۱- انوش در نهمصد و پنج سالگی مرد.
- ۱۲- قینان هفتاد ساله بود که پسرش مهلائیل به دنیا آمد.
- ۱۳- قینان پس از تولد مهلائیل هشتصد و چهل سال دیگر زندگی کرد و دارای پسران و دختران دیگر شد.
- ۱۴- او در نهمصد و ده سالگی مرد.
- ۱۵- مهلائیل شصت و پنج ساله بود که پسرش یارد به دنیا آمد.
- ۱۶- پس از آن هشتصد و سی سال دیگر زندگی کرد و دارای پسران و دختران دیگر شد.
- ۱۷- مهلائیل در هشتصد و نود و پنج سالگی مرد.
- ۱۸- یارد یکصد و شصت و دو ساله بود که پسرش اخنوخ به دنیا آمد.
- ۱۹- یارد پس از آن هشتصد سال دیگر زندگی کرد و دارای پسران و دختران دیگر شد.
- ۲۰- یارد در نهمصد و شصت و دو سالگی مرد.
- ۲۱- اخنوخ شصت و پنج ساله بود که پسرش متوشالِح به دنیا آمد.
- ۲۲- پس از تولد متوشالِح، اخنوخ سیصد سال دیگر زندگی کرد. او با خدا همراه بود. او دارای پسران و دختران دیگر شد.

۲۳- و تمام عمر اخنوخ سیصد و شصت و پنج سال بود.

۲۴- اخنوخ در حالی که رابطهٔ نزدیکی با خدا داشت، ناپدید شد؛ زیرا خدا او را برگرفت.

۲۵- متوشالِح یکصد و هشتاد و هفت ساله بود که پسرش لَمک به دنیا آمد.

۲۶- متوشالِح پس از تولد لَمک هفتصد و هشتاد و دو سال دیگر زندگی کرد و دارای پسران و دختران دیگر شد.

۲۷- متوشالِح در نهمصد و شصت و نه سالگی مرد.

۲۸- لَمک یکصد و هشتاد و دو ساله بود که پسرش برای او به دنیا آمد.

۲۹- لَمک او را نوح نام نهاد، گفت: «این پسر ما را از عمل خودمان و از محنت کار در روی زمینی که خدا آن را لعنت کرده است، تسلی خواهد داد».

۳۰- لَمک پس از تولد نوح پانصد و نود و پنج سال دیگر زندگی کرد و دارای پسران و دختران دیگر شد.

۳۱- لَمک در سن هفتصد و هفتاد و هفت سالگی مرد.

۳۲- پس از آنکه نوح پانصد ساله شد، صاحب سه پسر شد به نامهای سام، حام و یافث. « (۱) .

(۱). عهد عتیق - سفر پیدایش 5 : 1 - 32.

وهم یفسرون هذا النص علی أنّ عمر الإنسان لا يتجاوز سبعة
آلاف سنة علی الأرض.

آنها این متن را چنین تفسیر میکنند که عمر انسان بر روی زمین، از هفت هزار سال تجاوز نمیکند.

«ادعى البعض أن الحفريات تثبت وجود عظام إنسانية عمرها أكثر من مليون سنة بينما أن ما يتضح من هذا الجدول أن عمر الإنسان علي الأرض لا يزيد علي 6000-7000 سنة والرد علي ذلك يكون بحسبة رياضية نجد أن سكان العالم الحاليين لا يمكن أن يكونوا ثمر أكثر من 6000 سنة علي الأرض. فبافتراض أن كل عائلة تنجب حوالي 3 أطفال، وخصم نسبة مرتفعة من الموتى بسبب الموت الطبيعي والكوارث الطبيعية والحروب.. لو أن تاريخ الإنسان يرجع إلي مليون سنة فإن تعداد البشرية لو بدأ إنسان واحد من مليون سنة لكان لا تكفيه ألافاً مضاعفة من مساحة الأرض لوجودهم. وربما تكون العظام الموجودة لحيوانات ثديية حملت شكل الإنسان ولكن بدون النسمة التي من فم الله.» (٢).

(٢). شرح الكتاب المقدس - العهد القديم - القس أنطونيوس فكري - تكوين - 5.

«برخی مدعی هستند که سنگواره ها، وجود استخوان های انسانی با عمر بیش از یک میلیون سال را به اثبات رسانده است، در حالی که از این جدول چنین برمیآید که عمر انسان بر روی زمین بیش از 6000 تا 7000 سال نمی باشد. پاسخ این مدعا آن است که طبق محاسبات ریاضی درمییابیم که ساکنان فعلی زمین نمیتوانند دارای عمر بیش از 6000 سال قبل بر روی زمین باشند. با فرض اینکه هر خانواده حدود سه کودک به دنیا آورد، و میزان مرگ و میر به دلیل فوت طبیعی و حوادث طبیعت و جنگها و غیره رقم بالایی را به خود اختصاص دهد، اگر قدمت انسان به یک میلیون سال پیش بازگردد، و فرض کنیم اولین انسان یک میلیون سال قبل شروع به زندگی کرده باشد، در این صورت در حال حاضر کره ای با هزاران برابر مساحت زمین نیز گنجایش آنها را نمیداشت. شاید این استخوانها متعلق

به حیوانات پستانداری باشد که به شکل انسان بوده اند، ولی نه آن انسانی که مد نظر خداوند بوده باشد.» (۲).

(۲). شرح کتاب مقدس - عهد عتیق - کشیش آنتونیوس فکری - پیدایش - ۵.

إذن، فأنطونیوس فکری یقرر - كما البقیة - أن عمر الإنسان أو آدم على الأرض لا يتجاوز ۶۰۰۰ سنة، أما حسابه للعدد السكاني المفترض فهو من المؤكد حساب ساذج جداً، حيث لم يأخذ بنظر الاعتبار أموراً كثيرة لها علاقة بالتكاثر والبقاء، مثل الحياة البدائية والقاسية التي كان يعيشها الإنسان في أفريقيا أو قبل الزراعة، حيث تكفي الأمراض ووجود المفترسات وصعوبة الحصول على الطعام والطرائد لتضع حداً لعدد البشر الذي وصل في بعض الفترات إلى حد الانقراض، ولولا أن الإنسان تعرض في أفريقيا لعملية انتخاب طبيعي قاسية وضعته في حالات على حافة الانقراض لما تطور الدماغ بهذه الصورة وفي فترة تعد قصيرة في الزمن التطوري.

بنابراین آنتونیوس فکری نیز - همچون دیگران - این مطلب را که عمر انسان یا آدم بر روی زمین از ۶۰۰۰ سال فراتر نمی رود، را قبول دارد ولی شیوه محاسبه او در سرشماری انسانهای فرضی، شیوه ای ساده لوحانه است؛ چرا که وی موضوعات فراوانی را که با تولید مثل و بقا در ارتباط هستند، در نظر نگرفته است؛ مانند زندگی بدوی و شرایط دشواری که انسان در آفریقا و پیش از آغاز کشاورزی با آن روبرو بوده است؛ به گونه ای که بیماری ها و وجود درندگان و دشواری یافتن غذا و شکار، برای وجود داشتن محدودیت برای تعداد افراد بشر کفایت میکند؛ به طوری که گاهی اوقات حتی تا مرز

انقراض نیز پیش میرفته است. اگر انسان ساکن آفریقا در معرض انتخاب سخت طبیعی - که وی را بعضاً تا سر حدّ انقراض نیز پیش برده - قرار نمیگرفت، مغز وی به این صورت تکامل نمی یافت، آن هم در زمانی که در چهارچوب زمان تکاملی، مدتی کوتاه به شمار میرود.

أما بالنسبة للمرويات فهي قليلة في تحديد هذا التاريخ، وقد حدد بعض علماء السنة الفترة منذ آدم بحدود سبعة آلاف سنة.

روایاتی که در آنها این تاریخ تعیین و مشخص شده باشد، بسیار اندک هستند. برخی علمای اهل سنت نیز این دوره را از زمان آدم حدود هفت هزار سال ارزیابی کرده اند.

لدينا الآن معلومات عن عمر الإنسان المكتشف علمياً على الأرض بحسب الأحفوريات التي توفرت، ولو اقتصرنا على الهومو إركتس أو الإنسان المنتصب، والذي لديه شكل إنسان ومنتصب الجسم، ومنزوع الشعر تقريباً، وكان يعرف النار، ولديه بعض آلات الصيد، فسيكون لدينا عمر إنساني يمتد إلى مليوني عام تقريباً، وهذا الرقم لا يتناسب مع عمر آدم الديني المتقدم وحتى لو تمت مضاعفته، أضف أن الهومو اركتس علمياً لم يدفنوا موتاهم، وأشكالهم تختلف عن شكل الإنسان الحالي، وهذا أمر لا يتناسب مع آدم وولده (عليهم السلام) الذين ينص القرآن على أن الله علمهم دفن الموتى:

اکنون ما دربارهٔ عمر انسان بر روی زمین که علم طبق سنگواره های موجود، کشف کرده است، اطلاعاتی در دست داریم. اگر به انسان راست

قامت یا هومو ارکتوس بسنده کنیم (که شکل انسانی داشته، راست قامت و تقریباً کم مو بوده، همچنین با آتش آشنایی داشته و برخی ابزار شکار را به کار می‌گرفته است)، قدمت انسان به تقریباً دو میلیون سال پیش می‌رسد. این عدد با عمر انسان از منظر دین - حتی اگر آن را چند برابر نیز بکنیم - تناسبی ندارد. علاوه بر این، علم نشان می‌دهد که انسانهای راست قامت (هومو ارکتوس) مردگان خود را دفن نمی‌کرده اند و همچنین ظاهر آنها نیز با شکل انسان امروزی متفاوت بوده است. این موضوع با آدم و فرزندانش (علیهم السلام) که قرآن تصریح فرموده که خداوند دفن مردگان را به آنها آموخته است، تناسبی ندارد:

{وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ..... فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ * فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ} [المائدة : 27 - 31].

✦ و بخوان بر ایشان داستان فرزندان آدم را به حق هنگامی که قربان کردند پس پذیرفته شد از یکیشان و پذیرفته نشد از دیگری گفت همانا می‌کشمت گفت جز این نیست که می‌پذیرد خدا از پرهیزکاران پس بیاراست برای او دلش کشتن برادر خویش را پس کشت او را و گردید از زیانکاران ✦*✦ پس برانگیخت خدا کلاغی که می‌کاوید در زمین تا بنمایاندش چگونه نهان سازد پیکر برادر خویش را گفت ای وای بر من آیا عاجز شدم از آنکه مانند این غراب باشم که نهان کنم پیکر برادر خویش را پس گشت از پشیمانان ✦*✦ [المائدة : ۲۷-۳۱].

وحتى لو اقتصرنا على الهومو سابينس أو الإنسان العاقل فسيكون لدينا في أحسن الأحوال مئتي ألف عام تقريبا، وهذه الفترة الزمنية لا تناسب عمر آدم (عليه السلام) الديني، مع العلم أن الهومو سابينس كانوا لمئة ألف عام تقريبا محصورين في أفريقيا ولم يكونوا يدفنوا موتاهم، حيث إن أقدم دلائل دفن للموتى بالنسبة للهومو سابينس كانت خارج أفريقيا وبحدود مئة ألف عام مضت لمجموعة يحتمل أنهم من الهومو سابينس كانت قد هاجرت إلى فلسطين وانقرضت، وادم والأنبياء بعده لم يكونوا في أفريقيا، وكانوا يدفنون موتاهم بحسب النص الديني.

حتى اگر ما به انسان خردمند یا هومو ساپینس بسنده کنیم، در بهترین حالت، حدود دویست هزار سال خواهیم داشت. این دوره زمانی نیز با عمر آدم (عليه السلام) از نظر دین، تناسبی ندارد؛ با علم به اینکه انسانهای خردمند حدود یکصد هزار سال در آفریقا محصور بوده اند و مردگانشان را نیز دفن نمی کرده اند. زیرا تاریخ قدیمی ترین شواهد به خاکسپاری مردگان در خصوص هومو ساپینس، به حدود یکصد هزار سال پیش و آن هم به گروهی در خارج از آفریقا بازمیگردد که احتمال می رود از هومو ساپین ها باشند و بعدها به فلسطین مهاجرت کرده و منقرض گشته باشند. در حالی که آدم و پیامبران پس از وی در آفریقا نبوده اند و براساس متن دینی، آنها مردگان خویش را به خاک می سپرده اند.

وعموماً، علمياً الآن لا يمكن بأي حال من الأحوال اعتبار أننا من الهومو اركتس، وهناك فرق كبير في حجم الدماغ والقدرات العقلية بيننا وبينهم، وبالتالي فآدم ليس من الهومو اركتس قطعاً، وهذا ينفي نفيًا قاطعاً أن يكون آدم (عليه السلام) يعود للفترة

التي سبقت وجود الهومو سابينس أي قبل (٢٠٠) ألف عام،
وأيضاً حتى هذه الـ (٢٠٠) ألف عام منها أكثر من (١٠٠) ألف عام
قضاها الهومو سابينس محصوراً في أفريقيا، وكان بدائياً في
حياته ولم يكن يدفن موتاه، بل إن الهومو سابينس لم يكتمل
كهيئة كاملة مطابقة للإنسان الحديث إلا قبل مئة ألف عام تقريباً،
وبالتالي فآدم (عليه السلام) المذكور في النص الديني لا يمكن أن يكون
علمياً قد وجد جسدياً على الأرض إلا بعد تاريخ ١٠٠ ألف عام ق.م،
ولكن على كل حال له امتداد تطوري إنساني يمتد ملايين السنين،
وهذا يعني أنه ولد لأبوين حتماً.

نظريهء غالب اين است كه به لحاظ علمى ما در عصر كنونى نمى توانيم به
هيچ نحوى خودمان را از انسان هاى راست قامت يا هومو اركتوس به
حساب آوريم؛ زيرا بين اندازه مغز و توانايى هاى ذهنى ما با آنها
تفاوتهاى بسيارى وجود دارد؛ بنابراین آدم به طور قطع و يقين از هومو
اركتوسها نبوده است و اين، به طور قاطع مدعايى را كه ميگويد آدم (عليه
السلام) به زمانى بازميگردد كه هومو ساپينس وجود داشته يعنى قبل از ٢٠٠
هزار سال پيش، را رد ميکند. نکته ديگر اينكه بيش از ١٠٠ هزار سال از
اين ٢٠٠ هزار سال، هوموساپينس در آفريقا محصور بوده، به صورت بدوى
زندگى مى کرده، و مردگان خود را به خاک نمى سپرده است. و از سوى
ديگر در آن زمان، ظاهر هومو ساپينس هنوز به طور كامل مشابه انسان
امروزى نشده بود؛ چرا كه اين اتفاق در حدود يكصد هزار سال پيش رخ
داده است. نتيجه آنكه براساس يافته هاى علمى، آدم (عليه السلام) كه در متن
دينى از آن نكرى به ميان آمده، از لحاظ فيزيكى بر روى زمين پديدار نشده
است مگر پس از تاريخ ١٠٠ هزار سال ق.م؛ ولى در هر حال وى نتيجهء
امتداد تكامل انسانى در طى ميليونها سال است و اين يعنى آدم (عليه
السلام) به طور قطع و يقين فرزند پدر و مادر خويش بوده است.

The evolutionary dividing line between Homo erectus“
.and modern humans was not sharp
It extended over several hundred thousand years during
.the middle of the Pleistocene Epoch
Adding to the confusion about this important transitional
period is the fact that some regions were ahead of others
.in the process of evolving into our species
The evolutionary changes above the neck that would
lead to modern humans may have begun in Southern
.years ago 700,000 – Europe and East Africa 800,000
this change apparently ,Elsewhere in the Old World
.began around 400,000 years ago or later
was not , Homo sapiens,The transition to our species
complete until around 100,000 years ago and even later
”.in some regions

«الخط التطوري الفاصل بين الانسان المنتصب والإنسان الحديث
ليس حاد. يمتد لأكثر من عدة مئات من آلاف سنة خلال منتصف
عصر البليستوسين.

إضافة إلى الالتباس حول هذه الفترة الانتقالية الهامة سببه هو
في الحقيقة أن بعض المناطق سبقت الأخرى في عملية تطور
جنسنا البشري.

التغيرات التطورية التي من شأنها أن تؤدي إلى الإنسان الحديث
ربما تكون قد بدأت في جنوب أوروبا وشرق أفريقيا 700 – 800
الف سنة مضت.

و في أماكن أخرى من العالم القديم، بدأ هذا التغيير على ما يبدو قبل حوالي 400 ألف سنة مضت أو في وقت لاحق. الانتقال إلى جنسنا البشري، الإنسان العاقل (هومو ساپینس)، لم يكتمل حتى حوالي 100 ألف سنة مضت، وحتى وقت لاحق في بعض المناطق» (١).

(١). دينس اونيل. إنسان هايدلبرغ (هومو هايدلبرغ غينيسيس Homo heidelbergensis). متاح على: http://mod/edu.palomar.anthro/htm.1_homo_homo2/ البروفيسور دينس اونيل أستاذ فخري امريكي في علم الأنثروبولوجيا - قسم علوم السلوكية بالومار - كلية سان ماركوس، كاليفورنيا.

Neil Professor Emeritus of Anthropology Behavioral Sciences'Dennis O
//:http .California ,Department Palomar College San Marcos
/oneil/edu.palomar.anthro

«خط تكاملي جدا كنده بين انسان راست قامت (هومو اركتوس) و انسان امروزي روشن نيست. اين خط تا بيش از چند صد هزار سال در اواسط دوره پليستوسن (*) كشيده ميشود. در ضمن اين سردرگمي درباره اين دوره مهم انتقالی از اين واقعيته ناشی ميشود كه فرآيند تكامل گونهء ما (بشر) در برخی مناطق نسبت به ديگر مناطق در مرحلهء پيشرفته تری قرار داشته است. تغييرات تكاملی كه به پيدائش انسان امروزي منجر گشته، ممكن است 700 تا 800 هزار سال پيش در جنوب اروپا و شرق آفريقا آغاز شده باشد.

در مناطق ديگر در جهان قديم، اين تغيير ظاهراً در حدود 400 هزار سال پيش يا پس از آن رخ داده است.

انتقال به گونهء ما - انسان خردمند (هومو ساپینس) - تا حد 100 هزار سال پيش تكميل نشده بود و حتى در برخی مناطق، پس از آن كامل شده است.» (١).

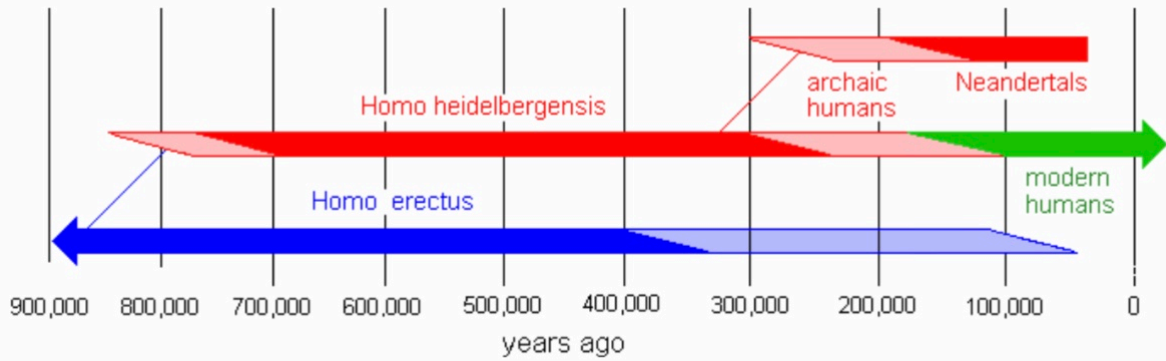
(۱). دکتر دنیس اونیل (Neil'Dennis O .Dr). انسان هایدلبرگ (هومو هایدلبرر غینیسیس Homo heidelbergensis). قابل دسترس از نشانی:

<http://anthro.palomar.edu/mod/homo2/homo1.htm>

پروفسور دنیس اونیل آمریکایی، استاد افتخاری انسان شناسی، دپارتمان علوم رفتاری کالج پالومار، سان مارکوس، کالیفرنیا.

Neil Professor Emeritus of Anthropology Behavioral Sciences'Dennis O
//:http .California ,Department Palomar College San Marcos
/oneil/edu.palomar.anthro

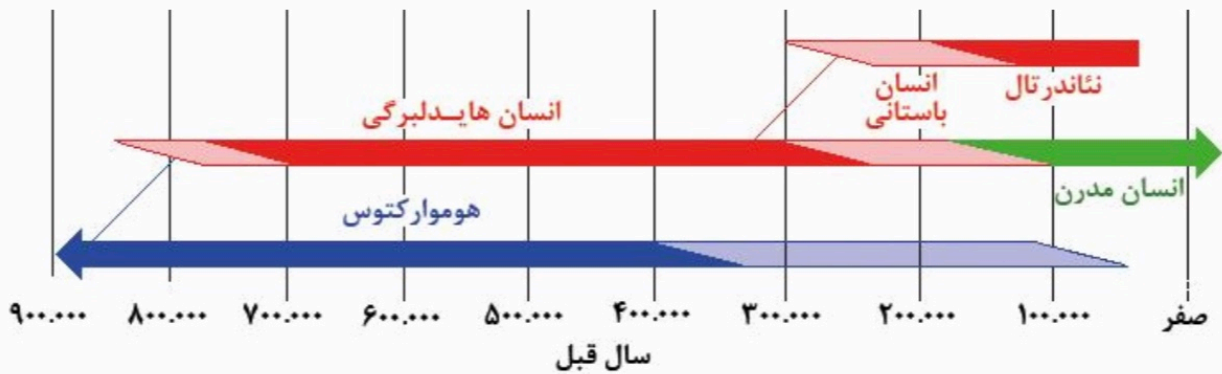
(*)- پلیستوسن (Pleistocene) یکی از دوره های زمینشناسی است که از ۲.۵۸۸ میلیون سال پیش تا حدود ۱۲ هزار سال پیش را پوشش میدهد. انقراض گروه بزرگی از پستانداران و شمار زیادی از گونه های پرندگان از اواخر دوره پلیستوسن آغاز شد و شاید دلیل آن پایان عصر یخبندان بوده باشد. نخستین انسان تکامل یافته (هومو ساپینس)، نیز در این دوره پدید آمده است.
(مترجم)



شكل 5: يوضح الخط الزمني لتطور الهومو اركتس و الهيدلبرغ و النيدرتال و الهوموسابينس وصولاً إلى الإنسان الحديث

المصدر: O'Neil, Homo heidelbergensis

شكل 5: يوضح الخط الزمني لتطور الهومو اركتس و الهيدلبرغ و النيدرتال و الهوموسابينس وصولاً إلى الإنسان الحديث
المصدر: Homo heidelbergensis ,Neil'O



شكل 5: نشان دهندهی خط زمانی تکامل هومو اركتوس، هايدلبرگ، نئاندرتال و هوموسابينس است. تا زمانی که به انسان امروزی می رسد.

منبع: O'Neil, Homo heidelbergensis

شكل 5: نشان دهندهی خط زمانی تکامل هومو اركتوس، هايدلبرگ، نئاندرتال و هومو سابينس است، تا زمانی که به انسان امروزی میرسد.

البحث في تاريخ الهومو ساپینس عن آدم (عليه السلام) الذي يمكن أن يتوافق مع النص الديني محصور في الفترة التي هاجرت فيها المجموعة المنتخبة من أفريقيا إلى الجزيرة العربية وما بعدها، أي منذ سبعين ألف عام تقريباً.

تحقيق دربارہء تاریخ هومو ساپینس و حضرت آدم (عليه السلام) به گونه ای که با متن دینی همخوانی داشته باشد، به زمان مهاجرت گروه منتخب از آفریقا به شبه جزیرهء عربستان و جاهای دیگر محدود میشود؛ یعنی تقریباً هفتاد هزار سال پیش.

والإنسانية الموجودة على الأرض حالياً بحسب التحليل الجيني كلهم يعودون إلى المجموعة الصغيرة المهاجرة الأولى من أفريقيا إلى شبه الجزيرة العربية منذ سبعين ألف عام تقريباً، عدا بعض قبائل أفريقيا القليلة التي تُعتبر أنها انحدرت من هومو ساپینس بقوا في أفريقيا.

براساس بررسی های ژنتیکی، تمام بشر کنونی موجود بر روی زمین به گروه کوچکی از مهاجران اولیه که تقریباً هفتاد هزار سال پیش از آفریقا به شبه جزیرهء عربستان مهاجرت کردند، باز میگردد؛ به جز شمار اندکی از قبایل آفریقایی که از آنها به مشتق-شدگان از هومو ساپینس های باقیمانده در آفریقا تعبیر میشود.

وبما أن بعض الهجرات الإنسانية إلى آسيا وأوروبا تعود إلى ما يقارب ستين وأربعين ألف عام على التوالي، وهم عبارة عن مجموعات من ذرية المجموعة المهاجرة الأولى من أفريقيا إلى الجزيرة العربية، فإذا أردنا أن نقول: إن كل الموجودين على الأرض الآن هم من ذرية آدم الديني (عليه السلام) جسمانياً - عدا بعض قبائل أفريقيا -، وإن آدم هو من ذرية المجموعة المهاجرة الأولى من أفريقيا، فلا بد أن يكون آدم (عليه السلام) قد ولد من المجموعة المهاجرة في فترة زمنية بعد هجرتهم إلى الجزيرة العربية ثم انقرضت بقية المجموعة الصغيرة وبقي آدم وذريته وتكاثروا وهاجروا إلى بقية الأرض.

تاريخ ترتيبي برخي مهاجرت هاي بشر به آسيا و اروپا تقريباً به شصت و چهار هزار سال پيش بازميگردد. آنها گروه هايي از نسل مهاجران اوليه آفريقيي بودند كه به شبه جزيره عربستان رفتند. بنا بر اين اگر بگويم تمام انسان هاي كنوني موجود بر روي زمين، به استثنای برخی قبایل آفريقيي، به طور جسماني از نسل آدم (عليه السلام) هستند و اگر آدم نیز خود از نسل مهاجران اوليه آفريقيي باشد، در اين صورت آدم (عليه السلام) بايد مدت زماني پس از کوچ كردن گروه مهاجر به شبه جزيره عربستان متولد شده باشد. در ادامه، ديگر اعضاي اين مجموعهء كوچك منقرض شدند و آدم و فرزندان او باقى ماندند و توليد مثل نموده، به ديگر مناطق زمين هجرت كردند.

ويمكن أن نتصور أسباباً علمية كثيرة تؤدي لانقراض تلك المجموعات الأولى في الجزيرة العربية خصوصاً أنها لم تكن

صالحه للعيش سوى في طرفها الجنوبي الذي يحوي ينابيع مياه سرعان ما غطتها مياه البحر المالحة، أي إن آدم الذي يجمع بين النص الديني والحقائق العلمية لم يكن قبل سبعين ألف عام بأي حال، بل بحسب بعض النصوص الدينية لابد أنه جاء من ذرية المجموعة المهاجرة من أفريقيا إلى الجزيرة العربية، وهذا نص ديني يبين أن تلك المجموعة الأفريقية من هومو ساپینس أفريقيا كانوا يحجون قبل مجيء آدم بألفي عام، أي إنهم أقوام مكلفة يعبدون الله بحسب وضعهم وإمكاناتهم وإدراكهم.

برای انقراض این گروه های اولیه در شبه جزیره عربستان میتوانیم دلایل زیادی تصور کنیم، به ویژه با توجه به اینکه این محیط برای زندگی مناسب نبوده است؛ به جز قسمت جنوبی آن که چشمه های آب در آن وجود داشته و البته در اندک زمانی، آبهای شور دریا این چشمه ها را نیز فرا گرفت. این به آن معنا است که به هر حال آن آدمی که هم در متن دینی به او اشاره شده و هم علم تأییدش نموده، پیش از هفتاد هزار سال وجود نداشته است؛ و حتی طبق برخی متون دینی، وی میبایست الزاماً از نسل مهاجران اولیه آفریقایی که به شبه جزیره عربستان کوچ کرده اند، باشد. متن دینی زیر روشن میسازد که این گروه آفریقایی از هومو ساپینس آفریقا، دو هزار سال پیش از پیدایش آدم حج می گزارده اند. یعنی آنها اقوامی مکلف بوده اند که بر اساس وضعیت، امکانات و میزان درک خود، خدا را پرستش مینموده اند.

عن زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، أَسْأَلُكَ فِي الْحَجِّ مُنْذُ أَرْبَعِينَ عَامًا فَتَفْتِنِي، فَقَالَ: يَا زُرَّارَةَ، بَيْتُ حُجِّ إِلَيْهِ قَبْلَ آدَمَ بِأَلْفِي عَامٍ تُرِيدُ أَنْ تَفْنِي مَسْأَلُهُ فِي أَرْبَعِينَ عَامًا. (1).

(۱). المصدر (الحر العاملي - وسائل الشيعة) كتاب الحج: ج 11 ص 12.

زراره میگوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: خداوند مرا فدایت کند. چهل سال است درباره حج از شما میپرسم و شما پاسخ میدهید. حضرت فرمود: ای زراره، خانه ای که دو هزار سال پیش از خلقت حضرت آدم تا کنون محل بجا آوردن اعمال مناسک و حج است، میخواهی در چهل سال مسائلتش به اتمام برسد؟» (۱)

(۱) - حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب حج، ج ۱۱، ص ۱۲.

إذن، فالحقيقة العلمية وهذا النص توصلنا إلى أن آدم ولد لأهل مكلفين من أولئك المهاجرين، ولكنهم كانوا من نوع نفسي دون مستوى آدم وولده.

بنابراین یافته های علمی و این متن دینی به ما نشان میدهد که آدم از این مهاجران مکلف متولد شده است ولی آنان از نظر نفسانی پایینتر از سطح آدم و فرزندان او بوده اند.

وحتى التاريخ السومري يبين في بعض النصوص التي وصلتنا أن أصول السومريين تعود إلى المجموعة المهاجرة من أفريقيا، حيث إن السومريين يسمون أسلافهم بذوي الرؤوس السود.

حتی تاریخ سومریان و برخی متونی که به دست ما رسیده است برای ما آشکار میسازد که اصل و ریشه سومریها به آن مهاجران آفریقایی بازمیگردد؛ چرا که سومریان نیاکان خود را «مردمان سیاه سر» می نامیدند.

«وبعد ان خلق آن وانليل وانكي و نخرساج، القوم ذوي الرعوس
السود خرجت المزروعات بوفرة من الارض» (٢).
(٢). المصدر (كريم - من ألواح سومر): ص 253.

«پس از آنکه آن، انليل، انكى و نخرساج، مردمان سياه سر را آفريدند،
محصولات فراوانى از زمين روبيد» (٢).
(٢). كريم، از الواح سومر، ص ٢٥٣.

ويمكننا أن نفهم من هذه العبارة أن لون أسلافهم كان أسوداً.
از اين عبارت ميتوانيم دريابيم كه رنگ اجداد آنها سياه بوده است.

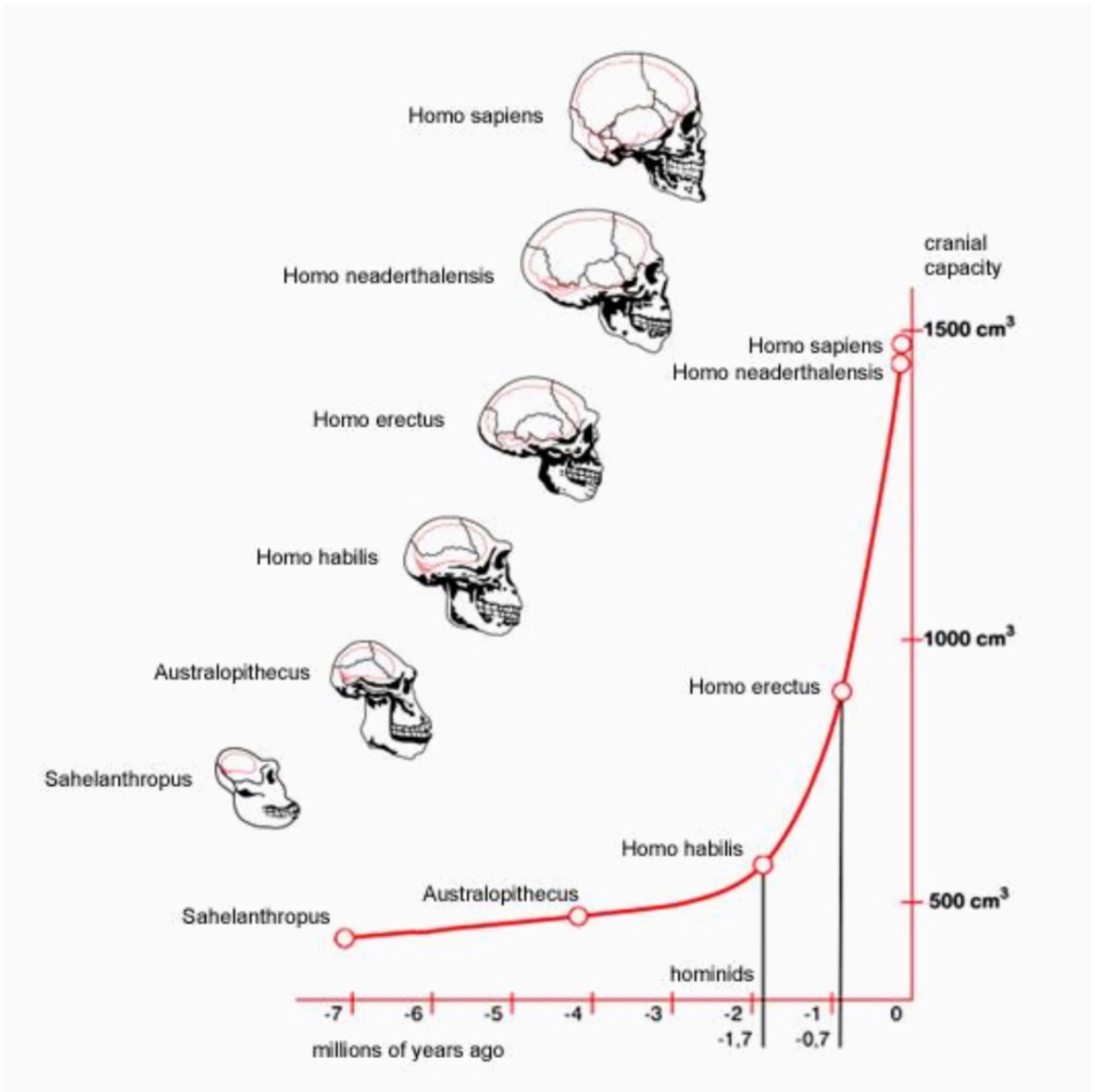
إذن، آدم كان من ذرية أولئك المهاجرين، وقد استوطن هو وولده
وادي الخليج، ثم حصل الخلاف المذكور دينياً على أنه حادثة قتل
هابيل وطرد قابيل إلى الجبال أي أعلى الوادي الخصب (الخليج
الحالي) أو جنوب غرب ايران الحالية، ومن ثم انتشار المجموعة
المطرودة في آسيا وأوربا وبقية العالم، ولحقهم بعض ذرية الذين
كانوا في الوادي في وقت آخر واختلطوا بهم، ولما حدث طوفان
الوادي خرجت مجموعة صغيرة من الصالحين الذين بقوا في
الوادي وبدأوا من جديد في وسط وجنوب العراق الحالي، ولعل
التعبير السومري عنهم على أنهم بقية ذرية الإنسان وما شابه من
التعابير الدينية التي يفهم منها أنهم فقط الناس الناجون من
الطوفان سببه هو أنهم فقط المجموعة المتبقية من ذرية هابيل
وشيث والصالحين من ولد آدم، ولم تختلط أنسابهم مع ذرية قابيل
والطالحين من ذرية آدم.

بنابراین آدم ع از نسل این مهاجران بوده است. او و پسرانش در دره خلیج ساکن شدند. سپس اختلاف مذهبی مشهور رخ داده است که همان ماجرای قتل هابیل و رانده شدن قایل به کوهها یعنی بالای آن دره حاصلخیز (خلیج کنونی) یا جنوب غرب فعلی ایران میباشد. سپس آن گروه رانده شده، در آسیا، اروپا و دیگر نقاط جهان انتشار یافتند و در زمانی دیگر، برخی از فرزندان کسانی که در دره مانده بودند به آنها ملحق شدند و با آنها آمیزش نمودند. پس از وقوع طوفان در دره، گروه کوچکی از صالحانی که در دره باقی مانده بودند، از آنجا خارج شدند و مجدداً در مرکز و جنوب عراق کنونی مستقر گشتند. از متن سومری مزبور که این عده را بازمانده نسل انسان معرفی میکند - و دیگر تعبیر مشابهی که در متون دینی وجود دارد - چنین استنباط میشود که فقط این افراد از طوفان نجات یافتند. به این دلیل که اینها تنها بازماندگان از نسل هابیل، شیث و دیگر فرزندان صالح آدم بودند، و دودمان آنها با نسل قایل و فرزندان شیر آدم مختلط نشده بود.

أيضاً: بالنسبة لبقية الناس الذين لا يمكن أن نقول إنهم من ولد آدم جسمانياً كـبعض القبائل الأفريقية التي لا تعود بأصولها إلى المجموعة المهاجرة، فهؤلاء يمكن أن يكونوا من ولد آدم نفسياً في مراحل متأخرة عن ولادة آدم (عليه السلام)، أي بمعنى أن يولد في مرحلة معينة أفراد ثبت فيهم - وهم في الأرحام - أنفساً من الأنفس التي أخذت في الذر من آدم (عليه السلام) وهم يمثلون ذريته النفسية في الخلق الذي تم في الجنة أو السماء الأولى.

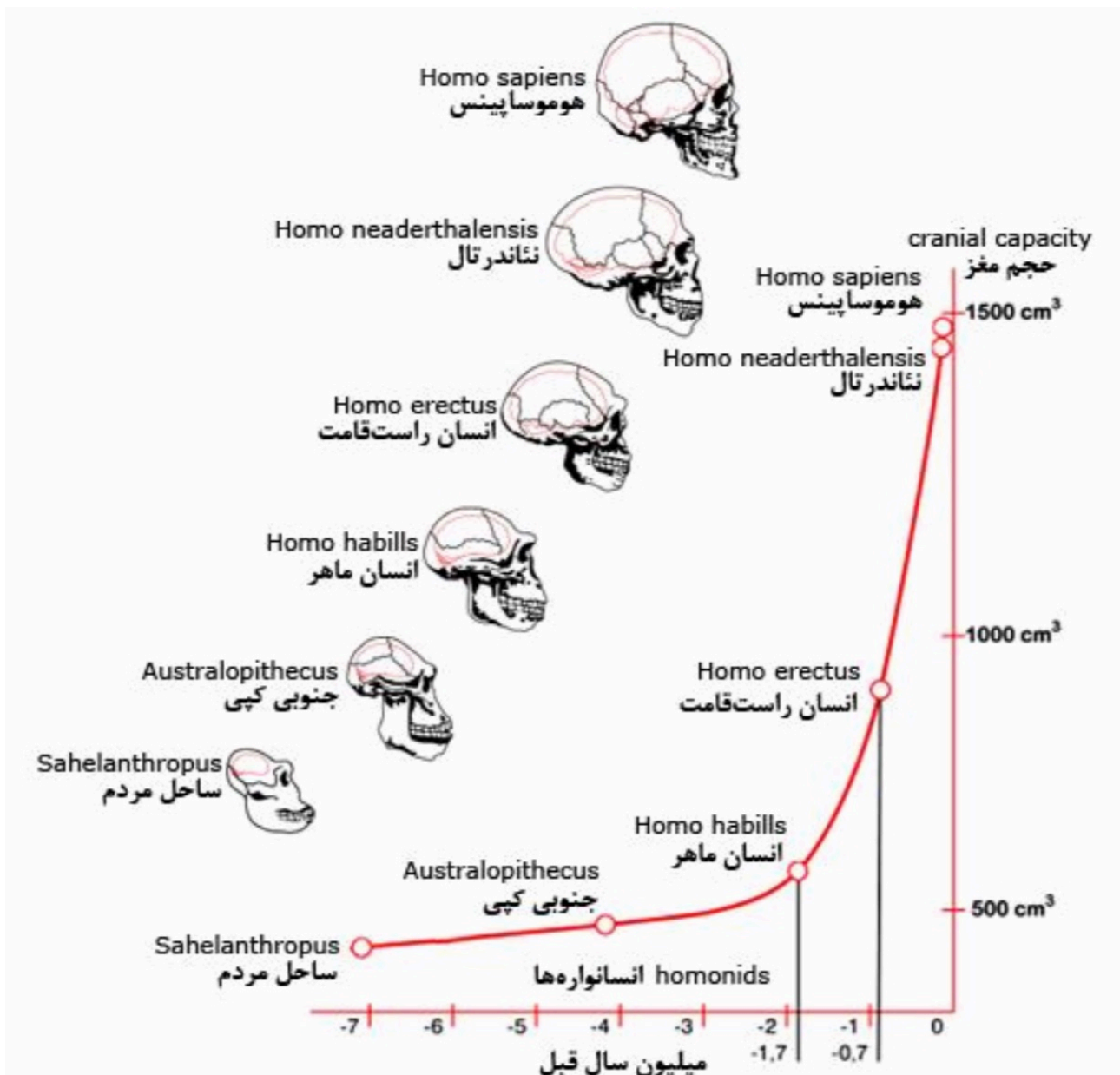
در مورد دیگر انسانها، کسانی که نمیتوانیم آنها را فرزندان جسمانی آدم بدانیم، همچون برخی قبایل آفریقایی که نمیتوانیم آنها را از نظر نسب از آن گروه مهاجر بدانیم، میتوانند از نظر نفسانی در مراحل بعد از تولد آدم

(علیه السلام) از فرزندان او باشند؛ یا به این معنی که در مرحلهء مشخصی کسانی متولد میشوند در حالی که در رحم مادرانشان هستند، بعضی از نفس هایی که در عالم نر از آدم (علیه السلام) گرفته شده است در آنها منتشر میشود. آنان تمثیل فرزندان نفسانی آدم ع در آفرینشی که در بهشت یا همان آسمان اول به انجام رسید، به حساب می آیند.



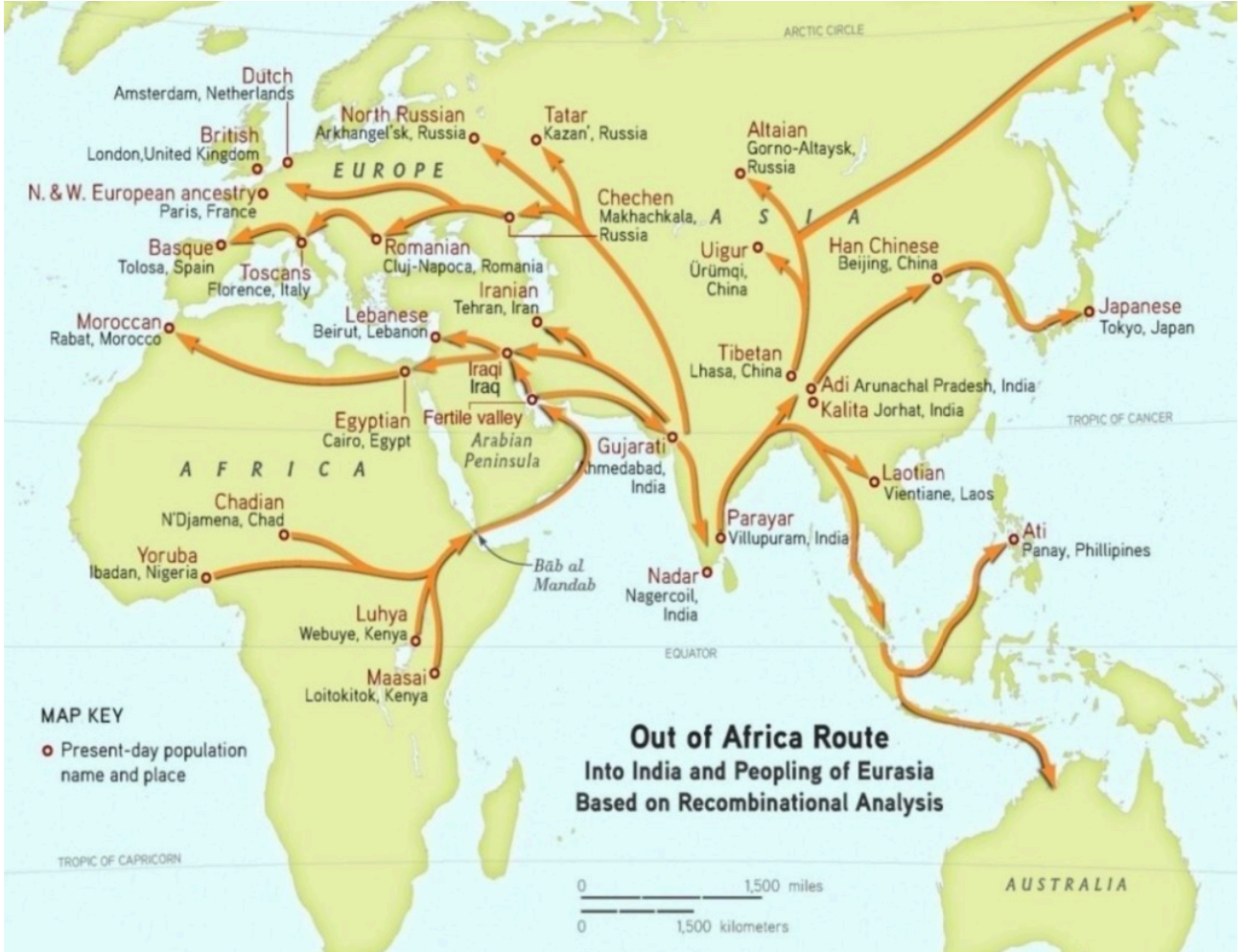
شكل6: يوضح زيادة حجم تجويف الدماغ مع الزمن لدى الهومو وسلفه وصولاً إلى الهومو سابينس (الإنسان الحديث) ويبين أن الإتجاه العام للتطور سار نحو زيادة حجم الدماغ (١)
 (١). المصدر:

Class project for course ANT 131: .The Evidence :Reading Evolution Of .Fall Semester 1998, 2001, Dept ,Introduction to Evolution //:http : Available at . Syracuse University ,Anthropology html.evolution_hominid/com.readingevolution



شکل ۶: این شکل افزایش اندازه جمجمه را طی گذشت زمان، از هومو و نیاکان وی تا هومو ساپینس (انسان امروزی) نشان میدهد و بیان میدارد که جهتگیری کلی تکامل، به سمت افزایش اندازه مغز بوده است. (۱)
 (۱). منبع تصویر:

Class project for course ANT 131: .The Evidence :Reading Evolution
 ,Of Anthropology .Fall Semester 1998, 2001, Dept ,Introduction to Evolution
 :Available at ,Syracuse University
http://html.evolution_hominid/com.readingevolution/



شكل 7: خارطة توضح خروج الهومو سابينس أو الإنسان الحديث من أفريقيا إلى باقي الأرض مروراً بالوادي الخصب (١)
 (١). الخارطة لناشيونال جيوغرافك وقد تم تعديلها.



شکل ۷: نقشه ای که مسیر حرکت هومو ساپینس یا انسان امروزی از آفریقا به دیگر مناطق زمین، و نیز عبور از درهء حاصلخیز را نشان می‌دهد. (نقشهء اصلاح شدهء نشنال ژئوگرافیک)
